

**Urban Environment in the Light of Citizenship Rights***Abbas Karimi<sup>1</sup>, Gholamreza Kamyar<sup>2</sup>***Abstract**

Predecessors Create Cities That All People Were Proud of Them. We Are Also Making History. Will Posterity Speak Proudly of Their Ancestors? Iranian Cities Gradually Keep Away from the Environmental Requirements and Their Fundamental Role as a Place of Tranquility and Improving Quality of Life. Extending the Cities without Rules, Selling the Law of the City, Encroachment on Forests and Natural Resources are Uncivilized Behavior and Unforgivable Mistake. Sovereignty in Creating the Balance between the Urban Environment and Organizing a Large Part of the Human Habitat has not been Successful. With the Power of Community, This Situation Will Be Better. The Result of Citizenship Rights is Participation in Urbanism, Urban Management and Efforts to Establish the Rule of Law and Remove Incompetent Managers. Making Citizenship and Moving toward an Efficient, Transparent and Comprehensive Legal System Provide a way to the Justice, Rule of Law, Security and compatible with Environment.

**Keywords**

Citizenship Rights, Environmental Law, Urban Planning Law, the Right to Self-Determination, Air Pollution

Please cite this article as: Karimi A, Kamyar GR. Urban Environment in the Light of Citizenship Rights. *Iran J Med Law* 2017; 11(40): 81-109.

---

1. Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Professor, Faculty of Law, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding author)  
Email: gkamyar@yahoo.fr

## محیط زیست شهری در پرتو حقوق شهروندی

عباس کریمی<sup>۱</sup>

غلامرضا کامیار<sup>۲</sup>

### چکیده

پیشینیان خالق شهرهایی بودند که همگان به آن افتخار می‌کنند. ما نیز در حال ساختن تاریخ هستیم. آیا آیندگان نیز با سربلندی از آثار نیاکانشان سخن خواهند گفت؟ شهرهای ایرانی به تدریج از الزامات زیست‌محیطی فاصله می‌گیرند و از ایفای نقش اساسی خود به عنوان محل قرار، آرامش و بهبود کیفیت زندگی بازمی‌مانند. گسترش بی‌رویه و بی‌ضابطه شهرها، داد و ستد قانون شهر و تجاوز به جنگل‌ها و منابع طبیعی رفتاری دور از تمدن و خطایی نابخشودنی است. حاکمیت در برقراری توازن بین محیط زیست شهری و نظم‌بخشی به زیستگاه‌های بزرگ انسانی موفق نبوده است. با بهره‌گیری از نیروی نهفته در جامعه می‌توان وضع موجود را به مطلوب تغییر داد. ره‌آورد حقوق شهروندی مشارکت ورزی افراد در شهرسازی، مدیریت شهری و کوشش برای برقراری حاکمیت قانون و حذف مدیران ناشایسته است. شهروندسازی و حرکت به سوی یک نظام قانونی کارآمد، شفاف و جامع مسیر رسیدن به شهرهای عدالت‌محور، قانون‌مدار، امن و سازگار با محیط را فراهم می‌کند.

### واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، حقوق محیط زیست، شهرسازی، حق سرنوشت، آلودگی هوا

۱. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد مدعو، دانشکده حقوق، دانشگاه الزاهرا، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: gkamyar@yahoo.fr

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

## مقدمه

شهروندی، نشانه بلوغ فکری انسان به عنوان موجود اجتماعی و حرکت به سوی برابری و قانونمداری است. شهروند در برابر قدرتی که میل به فساد دارد، سکوت نمی‌کند، به بردگی تن نمی‌دهد و فرمانبری مطلق را نمی‌پذیرد. او از آزادی طبیعی می‌گذرد تا به آزادی مدنی برسد و در امنیت و صلح ادامه حیات دهد. مدیران، در جامعه شهروندمدار، به شیوه پادشاهان حکمرانی نمی‌کنند و شهروندان را رعایای خود نمی‌پندارند. تبدیل رعیت به شهروند، یک واژه‌گزینی ساده نیست؛ معماری قدرت، در چنین فرایندی تغییر می‌کند و جایگاه فرد عمیقاً ارتقا می‌یابد. احترام به حقوق شهروندی نشانه حرکت به سوی تمدن و تکریم انسان به عنوان خلیفه پروردگار بر روی زمین است.

شهروند، با این وصف، از تبعه که فرمانبری می‌کند، فاصله می‌گیرد و خود را در جایگاه فرمانروایی می‌یابد. او سعادت فردی را در حیات جمعی می‌بیند و نسبت به هم‌نوعان خود و محیطی که در آن زندگی می‌کند، احساس مسؤلیت می‌کند. خطر شیوع بی‌تفاوتی در جامعه کم از شورش و بی‌نظمی نیست. فساد و استبداد پیامد برتری منافع فردی بر جمعی و استفاده ابزاری از قانون برای رسیدن به مقاصد غیر قانونی است. نهضت شهروندسازی یکی از شیوه‌های مؤثر مقابله با فساد و رانت‌خواری به شمار می‌آید. شهروند به قواعد اجتماعی احترام می‌گذارد و برای ایجاد یک جامعه متمدن و قانونمدار تلاش می‌کند. در چنین جامعه‌ای احترام به محیط زیست یک اصل پراهمیت محسوب می‌شود و شهروندان برای رسیدن به شهر امن و پاک تلاش می‌کنند. آیا شهرها بر اساس معیارهای زیست‌محیطی ایجاد می‌شوند؟

شهرهای بزرگ هم‌اکنون با پدیده آلودگی هوا، ترافیک و هدررفت گسترده سوخت و منابع انرژی رو به رو هستند. حیات هزاران تن به سبب حاشیه‌نشینی، بی‌توجهی به بهداشت محیط، ساخت و سازهای غیر مجاز و گسترده، سکونت در خانه‌های نایمن و فرسوده در معرض خطر قرار دارند. بیش از هفت میلیارد نفر، هم‌اکنون در جهانی واحد زندگی می‌کنند؛ زمین میراث مشترک انسان‌ها و نسل‌هایی است که در آینده بر آن پای خواهند نهاد. آیا سکونتگاه آیندگان بر اساس معیارهای انسانی و زیست‌محیطی بنا خواهد شد؟ پدیده شهروند جهانی پاسخ مسؤولانه به تصمیمات و اقدامات غیر مسؤولانه‌ای است که حق بر محیط زیست سالم را از انسان سلب می‌کند. در نتیجه توسعه روند جهانی شدن هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به تنهایی از نظم اجتماعی‌اش

محافظت نماید. از سوی دیگر زمینیان سرنوشت مشترکی دارند. گرم شدن سیاره زمین، آب شدن یخ‌های قطب شمال و آلودگی‌های گسترده ناشی از صنایع و خودروها زندگی همگان را تهدید می‌کند.

ظهور مفاهیم نوینی همچون شهروند جهانی و شهروند اکولوژیست بازتاب توجه عمیق انسان مسؤولیت‌پذیر به محیط است. در عصر حاضر انسان ناگزیر است بین الزامات زیست‌محیطی و تأمین زیستگاه‌های مناسب انسانی موازنه برقرار نماید. نظام شهرسازی ایران در ایجاد این توازن چندان موفق نبوده است و هم‌اینک در برابر چندین پرسش پراهمیت قرار دارد. آیا شهرها بر اساس سلیقه شهرنشینان بنا می‌شوند؟ آیا قوه حاکمه زمینه حق بر زیستگاه سالم و آمد و شد آسان را فراهم نموده است؟ آیا شیوه‌های مؤثری برای دادخواهی شهروندان مسؤولیت‌پذیر در برابر صدمات زیست‌محیطی وجود دارد؟ بدعت‌های خطرناکی همچون تراکم‌فروشی چه پیامدهای مخربی بر جای خواهند گذاشت؟

این مقاله می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد و از نگاه حقوق شهروندی مسائل زیست‌محیطی را مورد کنکاش قرار دهد. وصول به این مقصد مستلزم شناخت مفهوم درست حقوق شهروندی و تفاوت آن با مفاهیم مشابه از قبیل حقوق بشر و شهرنشینی است. به این سبب بخش مقدماتی به مفهوم‌شناسی اختصاص خواهد یافت. مخاطبان این نوشتار، پس از آن، به ترتیب با موضوعات حق خلق فضای شهری، حق بر زیستگاه سالم و پیامدهای قانون فروشی آشنا خواهند شد.

### مفهوم و گستره حقوق شهروندی

بیش از دو دهه از پیدایش مفاهیمی همچون «شهروندی»، «حقوق شهروندی» و «حقوق شهرنشینی» در ادبیات حقوقی ایران نمی‌گذرد. استقبال محافل سیاسی - حقوقی از این مفاهیم نوظهور شگفت‌آور بود. با این وجود، اندیشه‌ورزی پیرامون مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی صورت نگرفت. به دیگر سخن، با وجود گستردگی پژوهش‌هایی که از سوی نهادهای اجرایی قوای سه‌گانه و حتی شهرداری‌ها در راستای تبیین و تدوین قواعد و اصول شهروندی صورت گرفته، کم‌تر به تعبیری جامع، کامل و درخور توجه از حقوق شهروندی و مفهوم شهروندی

برخورد می‌کنیم. دو نگرش تقلیل‌گرا که شهروندی را همان تابعیت می‌داند و نگرش کلی‌گرا که شهروندی را در حد حقوق بشر ارتقا می‌بخشد، در متون قانونی بازتاب یافته است.

### ۱- تعریف و تحلیل حقوق شهروندی

شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. با این وصف، شهروند در مقابل ساکن روستا قرار نمی‌گیرد. در فرهنگ لغات تخصصی علوم اجتماعی انتشارات دانشگاه کمبریج، مدخل شهروندی یا «Citizenship» با اشاره‌ای گویا آغاز می‌شود: «ریشه مفهوم شهروندی را می‌توان در دولت - شهرهای یونان یافت که در آن‌ها حقوق با عضویت در شهر گره خورده است و زنان و بردگان را شامل نمی‌شود. نگاه مدرن به شهروندی در رابطه با فرایند دوگانه ملت‌سازی و صنعتی‌شدن، پس از انقلاب آمریکا و فرانسه، شکل گرفته است» (۱). به این معنا شهروندی نه به معنای سکونت در شهر که به معنای عضویت حقوقی در یک اجتماع (Community) است. در یونان عضویت در شهر به معنای سکونت در آن نبوده است، بلکه به معنای به رسمیت‌شناخته‌شدن حقوق اجتماعی افرادی است که در واقع تبعه دولت - شهر به حساب می‌آیند. همین مفهوم در اروپا ادامه یافت و بعد از شکل‌گیری دولت‌های امروزی و فروپاشی نظام‌های فئودالی و سلطنت‌های پیشامدرن، شهروند معنای مدرنی یافت که بیش از هر چیز به تابعیت دولت اشاره دارد.

مفهوم شهروندی طی دو دهه گذشته به طور گسترده بر زبان و قلم سیاستمداران جاری گشته، لیکن تعریف روشنی از آن ارائه نشده است. شهروندی پیوندی وثیق با تابعیت دارد. عالمان حقوق مفاهیم مبهم را نمی‌پذیرند و قانونگذاری بر اساس ادبیات تردید و تفسیر را ترویج نمی‌نمایند. برخی از متفکران بزرگ حقوق ایران بر این باورند که حقوق اتباع یک کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، حقوق شهروندی نامیده می‌شود (۲). آیا این مفهوم تکرار حقوق اتباع یک کشور معین است یا این‌که معنای نوینی از نقش فعال فرد در یک جامعه سیاسی را نشان می‌دهد؟ شهروندی و تابعیت همپوشانی کاملی ندارند. با این توصیف، چرا شهروندی با تأخیر طولانی به نظام حقوقی ایران رسید؟ ترمینولوژی حقوق تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد و در مقدمه عمومی علم حقوق در رابطه با آن سخن گفته نمی‌شود. بیگانگی با این مفهوم بی‌ارتباط با ساختار حکومت و دیدگاه صاحبان قدرت نیست. شهروندی در بستر مردم‌سالاری رشد می‌کند و نظارت‌پذیری بر قدرت حاکمه را توسعه می‌بخشد.

شهروند خاموش همان رعیت است که فرمانبری را بر فرماندهی ترجیح داده است. حاکمان خودکامه شهروندان منفعل را می‌پسندند و اسباب سرگرمی آنان را فراهم می‌کنند. جامعه مردم‌سالار، در مقابل، زنگ بیداری را به صدا درمی‌آورد و اسباب نظارت مردمی و نقادی را در ردیف مسؤولیت‌های شهروندی قرار می‌دهد. صدای شهروندان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد شنیده می‌شود، اگرچه گام‌هایی به سوی شناسایی جایگاه و نقش این سازمان‌ها در دادخواهی برداشته شده است، لیکن نمی‌توان نظام حقوقی حاکم بر آن‌ها را کامل دانست. رابطه معناداری بین تقویت حقوق شهروندی و گسترش این سازمان‌ها در بخش‌های گوناگون محیط زیست، شهرسازی و میراث فرهنگی وجود دارد. انحرافات گسترده شهرسازی، در طی دو دهه گذشته، بی‌ارتباط با غیبت این سازمان‌ها در فرایند تغییر محیط نیست.

شهروندی، در آینه تاریخ، آمیخته با آموزش و تربیت است. کودکان در یونان باستان در فهرست شهروندان قرار نداشتند و زنان و بردگان نیز از حق شهروندی محروم بودند. آداب شهروندی و شیوه حق‌طلبی در یک جامعه قانون‌مدار اکتسابی است. انسان به حکم طبیعت جمع‌گرا است، ولی گزینه، او را به سوی تمدن هدایت نمی‌کند. سرمایه‌گذاری نظام آموزشی و رفتار صاحبان قدرت در فرایند شهروندسازی و پرورش انسان‌های حق‌طلب و قانون‌پذیر کافی و رضایت‌بخش نبوده و نظام حقوقی ایران در قلمرو شهرسازی بهره‌چندانی از نیروی نهفته شهروندی نبرده است. یکی از علت‌های مهم شکست طرح‌های شهری غیبت شهروندان در مراحل تهیه، تصویب و اجرای این طرح‌ها است. افزون بر آن، روند توسعه و گسترش شهرها غالباً محصول ضوابطی است که توسط مقامات اداری و شورای شهرها تهیه و بر شهروندان تحمیل می‌شود. ایران بیش از هر زمان دیگر نیازمند حاکمیت قانون و کرنش در برابر مقرراتی است که ابهت و اهمیت خود را از دست داده‌اند. شهروندی نشانه بلوغ فرهنگی و منشأ دو رفتار گوناگون است:

- فرمان‌بری و فروتنی در برابر قانون که پیامد آن نظم و انضباط اجتماعی است؛

- نافرمانی در برابر تبعیض و ستمگری که پیامد آزادی و تعمیق مردم‌سالاری است.

شهروندی منزلتی است که به عضو رسمی جامعه اعطا می‌شود و او را از درجه فرمانبری به مقام فرمانروایی ارتقا می‌بخشد. شهروند، با تمام وجود، دگرخواهی، کنشگری بر محیط، مسؤولیت‌پذیری، حق‌طلبی و اثرگذاری را احساس می‌کند و به این ترتیب از رعیت و تبعه

مسئول بی‌حق متمایز می‌شود. ربطی وثیق بین حقوق بشر، حقوق شهروندی و شهرنشینی وجود دارد. ساکنان شهر صرف نظر از نژاد، زبان، ملیت، جنسیت، سن، ناتوانی جسمی، قومیت، گرایش‌های سیاسی و عقاید دینی، سزاوار بهره‌مندی از حق بر محیط زیست سالم، حق آمد و شد آسان و حق مشارکت در خلق فضای شهری هستند.

## ۲- حقوق شهروندی و حقوق بشر

حقوق بشر، به معنای ارزش‌هایی همچون عدالت، برابری، آزادی و لزوم احترام به شأن و کرامت انسانی، تاریخی طولانی دارد و خاستگاه نظری آن، به دوران پیش از یونان باستان و تمدن‌های بین‌النهرین بازمی‌گردد. این در حالی است که نشانه‌های پیدایش گفتمان حقوق بشر در مفهوم امروزی، آن را به عنوان بخشی از نظم حقوقی بین‌المللی معاصر، در انقلاب‌های آمریکا، فرانسه و صدور اعلامیه‌هایی چون اعلامیه حقوق بشر و شهروند در قرن هجدهم می‌توان مشاهده کرد.

آنچه جامعه جهانی را بر آن داشت تا با اجماعی بی‌سابقه، اقدام به تدوین و تصویب اولین سند جهانی حقوق بشر نماید که به واسطه آن نظام فراگیری از حقوق و تکالیف انکارناپذیر مبتنی بر لزوم به رسمیت‌شناختن برترین ارزش‌های انسانی یعنی برابری، آزادی، عدالت ایجاد شود، از رهگذر دو تجربه دردناک جنگ‌های جهانی اول و دوم حاصل آمد. ارتکاب غیر انسانی‌ترین رفتارها در طول دو جنگ و قربانی شدن میلیون‌ها نفر تنها به دلایلی چون مذهب، نژاد، ملیت و... وجدان جامعه بین‌المللی را جریحه‌دار نمود و اندیشمندان را بر آن داشت تا کوشش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد نظم نوین حقوقی و ایجاد جهانی عاری از جنگ و خشونت آغاز نمایند.

شاید گمان شود حقوق بشر در کالبد حقوق شهروندی حلول نموده و به عنوان جایگزینی برای آن به شمار می‌آید. این دو مفهوم، با وجود وحدت مصداق، از یکدیگر متمایزند. حقوق بشر، فرازمانی و مکانی است، لیکن حقوق شهروندی نسبت‌پذیر است. حقوق بشر هنگامی که از نیروی الزام‌آور قانون داخلی بهره‌مند می‌شود و رنگ ملی به خود می‌گیرد، حقوق شهروندی نامیده می‌شود. آیا می‌توان گفت مفاهیم تابعیت و شهروندی همسان‌اند؟ پاسخ مثبت به این پرسش ابهامات حقوقی ناشی از گستره مفهومی شهروندی را برطرف خواهد کرد، لیکن فهم عرفی از این واژه و بار معنایی آن به گونه‌ای است که آن را از تابعیت جدا می‌کند. تابعیت به

محض تولد بر طفل تحمیل می‌شود. جوهره شهروندی آگاهی، تعلیم و آموزش و قدرت اعمال حقوق سیاسی است. اطفال، اگرچه تبعه محسوب می‌شوند، ولی از گستره شهروندی بیرون می‌مانند. شهروندی در مفهوم نوین خود به تدریج از تابعیت فاصله می‌گیرد. اتباع خارجی (عضو اتحادیه اروپایی) در انتخابات شهرداری‌های کشورهای اروپایی از حق رأی بهره‌مند می‌شوند. مفهوم شهروند جهانی نیز از بند تابعیت رها است. محرومیت از حقوق شهروندی به عنوان مجازات نقض قوانین، به موجب قانون، امکان‌پذیر است، ولی دادرسان مجاز به صدور حکم محکومیت به سلب تابعیت نیستند. حقوق شهروندی به اشخاص حقیقی اختصاص دارد و اشخاص حقوقی شهروند نامیده نمی‌شوند.

### ۳- حقوق شهروندی و حقوق شهرنشینی

حقوق شهروندی و شهرنشینی در عین قرابت از یکدیگر متمایزند، اگرچه سال‌ها است که بحث‌های دامنه‌داری درباره حقوق شهروندی وجود دارد، اما نظریه حق شهرنشینی (Right to City) را نخستین‌بار هانری لوفور جامعه‌شناس فرانسوی مطرح کرد. در پاریس دهه ۱۹۶۰ میلادی جدایی طبقاتی باعث شده بود مهاجران فقیر بر مبنای ملیتشان به حاشیه رانده شوند، همین موضوع، اندیشه حقوق ساکنان برای کنترل فضا را به ذهن لوفور متبادر کرد که در چندین اثر وی طی دهه ۱۹۷۰ میلادی و پس از آن طرح گردیده و منتشر شد. او بر این باور بود که تعیین کاربری زمین، حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه این حق از آن افرادی است که تصمیمات در مورد کاربری زمین به طور مستقیم بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین از نظر لوفور حق شهرنشینی به کسی تعلق می‌گیرد که در شهر سکونت دارد و زندگی می‌کند. در این معنا اگر شهروندی را مبتنی بر عضویت در یک اجتماع سیاسی بدانیم، حق شهرنشینی مبتنی بر اشتراک در «سکونت‌گاه» است. کسانی از حق شهرنشینی بهره‌مند می‌شوند که در فضای شهری، زندگی و فعالیت می‌کنند؛ آنان حق خلق این فضا و تغییرات آن را خواهند داشت.

از نظر لوفور در بحث «حق شهرنشینی» دو حق عمده را برای ساکنان مناطق شهری می‌توان در نظر گرفت:

- حق تخصیص فضای شهری؛
- حق مشارکت در تولید فضای شهری.



ژان فرانسوا تریبلون، از دیگر اندیشمندان فرانسوی، مفهوم گسترده‌تری از حق شهرنشینی ارائه می‌دهد. از نگاه او این حق شامل موارد زیر است:

- حق مسکن مناسب؛
  - داشتن شغل؛
  - داشتن زندگی خانوادگی؛
  - برخورداری از امنیت در مقابل تعرضات پلیس؛
  - برخورداری از شهری زیبا، راحت و سالم با احترام به محیط زیست (۳).
- حقوق شهروندی، در جهانی که فرایند شهری‌شدن شتابان است، پراهمیت و تأثیرگذار است. شهرداران با بهره‌مندی از داده‌های این شاخه نوین حقوقی به روند نظم‌بخشی بهتر به شهرها، افزایش کیفیت زندگی شهرنشینان و احساس علاقه آنان به محیط سرعت خواهند بخشید. حقوق شهرنشینی از قید تابعیت رها است و صرف نظر از نوع رابطه حقوق سیاسی و فرهنگی که اشخاص را به دولت خاصی وابسته می‌کند، شامل تمام ساکنان شهر اعم از تابعان یک کشور و مهاجران می‌شود.

### حق خلق فضای شهری و سرپناه

زمینه رشد و توسعه شهروندی و ارتقای حقوق شهرنشینان در بستر نظام حقوقی ایران وجود دارد. حق تعیین سرنوشت، حق مشارکت مردم در اداره امور شهرها، حق آمد و شد آسان، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب و محیط زیست سالم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. بر این مبنا امکان مداخله کنشگران اصلی، یعنی شهروندان در تغییرات محیط (شهرسازی) و اداره زیستگاه (مدیریت شهری) فراهم می‌شود. برای رسیدن به این هدف از نظریه تمرکززدایی در جهت انتقال قدرت از دولت به بخش‌های محلی و عمومی استفاده می‌شود. دولت خوب دولتی است که کم‌تر فرمان می‌دهد و قدرت را به صاحبان اصلی آن واگذار و به اعمال حاکمیت می‌پردازد.

#### ۱- حق تعیین سرنوشت

این حق عبارت است از شرکت فعالانه اعضای جامعه در تعیین شکل و ساختار کشور و همچنین مشارکت اشخاص در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و به طور کلی هر یک از ابعاد ساخت حیات جمعی انسان‌ها. مصادیق حق سرنوشت، گوناگون و

شمارش آن دشوار است. با این وجود، آنچه با عنوان حق تعیین سرنوشت و موارد تضمین این حق در جنبش‌های معاصر شهروندی طرح می‌شود، ناظر به موارد زیر است:

۱-۱- **حق تشکیل گروه‌های مردمی:** این حق چنانکه گفته شد، حق بومیان در تشکیل تشکلهای مردمی و ورود به جامعه مدنی برای تعیین سرنوشت در حوزه شهری است. مبنا و نقطه آغاز حق تعیین سرنوشت، اجازه به گروه‌های مختلف مردمی برای حضور در این عرصه است. مسیر این حضور، از راه‌های ضعیف مبتنی بر نظام نمایندگی (Representative) مانند تشکیل شوراهای شهر و محله تا راه‌های معنادارتری چون فراهم‌آوردن امکان ورود گروه‌ها و اجتماعات مردمی به عرصه جامعه مدنی قابل ترسیم است.

۱-۲- **امنیت شخصی:** برای تعیین سرنوشت، احتیاج به نوعی اداره کلی است که در آن فرد بتواند نیازهای اولیه خود را از آن طریق برآورده کند. از آنجا که امنیت یکی از نیازهای اولیه انسان است، غالباً حق تعیین سرنوشت به این مسأله اشاره می‌کند که اجتماع باید بتواند در صورت به خطراتادن از خود محافظت کند و حتی در برابر نهادهای کلان‌تر جامعه، مورد حمایت امنیتی قرار گیرد. «آپادورای» و «هولستن» با بررسی جنبش‌های شهری که در پی حق تعیین سرنوشت هستند، در نهایت به این نتیجه می‌رسند که فصل مشترک تمامی این جنبش‌ها تعریف حق تعیین سرنوشت با دو اصل حفاظت از امنیت و حق پاسداری از خود است (۴).

۱-۳- **حق توسعه:** این حق که در اعلامیه حقوق مردمان بومی، منشور افریقایی حقوق مردمان و بشر و اعلامیه حق توسعه از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است. در واقع تیغی دو لبه است، زیرا می‌تواند به معنای بی‌اهمیت‌دانستن حق افراد در برابر برنامه‌های ضربتی توسعه قلمداد شود و به همین دلیل بسیاری از متفکران کوشیده‌اند تا مفهوم آن را به چالش بکشند، اما فارغ از معنا و تاریخچه حقوقی این واژه با معرفی آن ذیل مفهوم حق تعیین سرنوشت می‌توان از هر دو لبه این تیغ برای استیفای حقوق شهرنشینان بهره برد. برای مثال از یکسو از آنجا که حق توسعه برای مردم بومی به رسمیت شناخته شده است، «چستر هارتمن» در معنایی شبیه به معنای مورد نظر زنتاکی، استدلال می‌کند که افراد هر منطقه حق دارند از مزایای توسعه بهره‌مند شوند (۵) و در نتیجه این خود افراد هستند که حق دارند از توسعه بهره‌مند شوند و برای آن تصمیم بگیرند؛ از سوی دیگر دیوید هاروی که حق شهرنشینی را حق

مقابله با برنامه‌های ضربتی توسعه می‌داند، بر این جنبه که این موضوع بر اراده افراد در تعیین زندگی خود مؤثر است، انگشت می‌گذارد (۶).

**۴-۱- حقوق مجاورت:** مجاورت به خودی خود در بحث حق تعیین سرنوشت وارد نمی‌شود، بلکه در حق بر مسکن مناسب و آمد و شد آسان معنا می‌یابد و به شکل مفهومی طرح می‌شود، اما بدون وجود داشتن این حق نمی‌توان از تشکیل اجتماعات مردمی سخن گفت. این حقوق ذیل عنوان حق هم‌زیستی و حفظ شبکه روابط اجتماعی هم طبقه‌بندی شده است که با این دو معنا بیشتر می‌توان آن را ذیل حق تعیین سرنوشت گنجانند.

پیامد مشارکت شهروندان در زندگی شهرنشینی که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود، گوناگون و سودمند است:

- آگاهی مردم از توانایی خود؛

- تقویت حس اعتماد و اطمینان نسبت به مدیران شهری؛

- تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیریت شهری در حل مشکلات شهری از طریق شهروندان؛

- نحوه صحیح استفاده از فضای شهری، پایداری «بوم شهر» و حفظ محیط زیست شهری (۷).

تحقق مشارکت شهری، نیازمند فراهم‌آوری بستری مناسب برای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و امکانات مناسب موجود در این حوزه است. برخی از مهم‌ترین این شرایط عبارت‌اند از:

- وجود فرهنگ مشارکت شهری؛

- وجود نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) مشارکت‌خواه و مشارکت‌جو؛

- فراهم‌بودن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوق شهری مناسب و

متناسب با مشارکت شهری.

## ۲- حق مشارکت در برنامه‌ریزی شهری

توسعه شهری پیامد اتفاق نیست. شهرهای مدرن بر اساس خردورزی، برنامه‌ریزی و وفاداری به قوانین شهرسازی شکل می‌گیرند. بدون رعایت قانون شهر نمی‌توان به دروازه‌های تمدن رسید. طرح‌های شهری در ایران بدون دخالت مستقیم شهروندان تهیه و بر آنان تحمیل می‌شود. دولت و شهرداری‌ها با فرایند همه‌پرسی در زمینه برنامه‌های عمرانی بیگانه‌اند و سازمان‌های

مردم‌نهاد چندان فعال نیستند. قانونگذار در راستای تقویت حقوق شهروندی می‌تواند برنامه‌ریزی شهری را بر مبنای مردم‌سالاری بنا کند و شیوه‌های رسمی «گفتگو» را ترویج نماید. اندیشمندان بزرگ بر این عقیده‌اند: «دولتی که می‌شنود و مردمش را قانع می‌کند، مشروع باقی می‌ماند، لکن دولت فرمانده و زورگو، هرچند برای مدت طولانی پایدار باشد، مشروعیتش را از دست می‌دهد» (۸).

نظریه‌پردازی در این رابطه نیازمند شناخت ظرفیت‌های قانون اساسی، مسؤولیت‌پذیری همگانی، تحقیق واقعی مفهوم شهروندی و همچنین بررسی موانع مشارکت همگانی در قلمرو برنامه‌های عمرانی در دو قلمرو زیر است:

- مقیاس ملی از قبیل سدسازی، احداث فرودگاه و آزادراه‌ها و سایت‌های اتمی؛

- مقیاس محلی از قبیل احداث قطار شهری (مترو) مونوریل و طرح طبقاتی نمودن راه‌های

شهری.

حفاظت از محیط زیست به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی یک وظیفه عمومی است. چگونه می‌توان این وظیفه همگانی را به انجام رسانید؟ دوستداران محیط زیست از اجرای طرح‌های بزرگ عمرانی از قبیل بزرگ‌راه‌ها، سدها، تونل‌ها که بدون پیوست‌های زیست‌محیطی اجرا می‌شوند و بر گونه‌های گیاهی، جانوری، خاک، آب و هوا اثرات منفی می‌گذارند، ابراز نگرانی می‌کنند. تصویب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نشانه علاقه جامعه به تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقای جایگاه و نقش آن‌ها در مراقبت از منافع عمومی کشور است. این ماده مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.»

طرح درخواست ابطال مصوبات غیر قانونی قوه مجریه در دیوان عدالت اداری از طرف این سازمان‌ها امکان‌پذیر است، لیکن درخواست توقف عملیات عمرانی و ساختمانی مستلزم وجود نفع در دعوی مطروحه است. با این وصف، ادعای وکلای مدافع شهر مبنی بر ابطال پروانه ساخت یک مجتمع بزرگ تجاری که فعالیت آن سبب جمعیت افزایی، ایجاد ترافیک و آلودگی

در شهر می‌شود، مسموع نخواهد بود. شهر بر اساس طرح‌های شهری شکل می‌گیرد. آیا مردم در تهیه این طرح‌ها، به عنوان مهم‌ترین اسناد شهرسازی، مشارکت دارند؟

طراحان آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور مصوب ۱۳۷۸ شیوه‌هایی هرچند ابتدایی را، برای مشارکت مردم پیش‌بینی نمودند که در عمل مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ماده ۲۰ این آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «به منظور جلب مشارکت بیشتر مردم و نهادهای محلی، دبیرخانه شورای استان موظف است در حین تهیه و پس از تکمیل مطالعات طرح‌های جامع شهری و ناحیه‌ای حسب مورد، نظرات مردم و شورای شهر و شهرداری و یا فرمانداران و شوراهای شهرستان مربوط را اخذ و مورد بررسی کارشناسی قرار دهد.»

مردم‌سالاری چیزی جز مشورت نیست. اسلام به هر نوع اندیشه خودمحوری مخالف است (۹). شهروندان مجازند در تصمیماتی که به نام آن‌ها گرفته می‌شود و بر کیفیت زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، مشارکت نمایند. نظریه مردم‌سالاری محلی، بر این اساس، در برخی از کشورهای پیشرفته همچون فرانسه در قلمرو شهرسازی و مدیریت شهری مطرح و به شهروندان امکان اعتراض به مجوزهای غیر قانونی اشغال فضای شهری (پروانه ساختمان) داده می‌شود. آنان همچنین در فرایند تهیه طرح‌های شهری و عمرانی از طریق کمیسر تحقیق که توسط دادگاه اداری تعیین و به فرمانداران معرفی می‌شود، اظهار عقیده می‌کنند (۱۰).

### ۳- حق بر مسکن مناسب

حق مسکن و بهره‌مندی از سرپناه را می‌توان از حقوق اساسی و بنیادین بشر محسوب نمود. به موجب ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۱۱ میثاق حقوقی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی این حق به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی ایران نیز، در اصل ۳۱، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب را حق هر فرد و خانواده ایرانی می‌داند. در گفتمان حقوق شهرنشینی، پرسش پراهمیت زیر مطرح می‌شود: آیا باید مسکن مناسب را یک حق دانست؟ (۱۱) نظریه پردازان جدید حقوق شهرنشینی نمی‌خواهند مسکن مناسب را حق بدانند و می‌خواهند آن را در ردیف تعهدات شهروندانی بدانند که خود بر خود حکمرانی می‌کنند و حق دارند مناسب بودن مسکن خود را در کنشی انسانی و مبتنی بر اراده انسانی بسازند (۱۲). برخی تحلیلگران استیفای این حق توسط دولت را وارد شدن به چرخه باطل عدم مالکیت و تخلیه اجباری مجدد دانسته‌اند

(۱۳) و گروهی دیگر نیز بیان کرده‌اند که وقتی بحث از حق بر شهر یا حق شهرنشینی باشد، سخن گفتن از حق بر مسکن مناسب فراموش کردن بدنه اصلی کار و دل‌بستن به حداقلی از حقوق قابل استیفا است (۱۴).

اکنون باید الزامات رعایت حق بر مسکن مناسب را در دیدگاه‌های مختلف جستجو کرد. این دیدگاه‌ها اغلب از سوی جنبش‌هایی طرح شده‌اند که به دنبال فعالیت مدنی در جهت فراهم ساختن مسکن مناسب برای شهروندان بوده‌اند، اما احصای این الزامات خود مسأله‌ای است که به انحاء مختلف به آن پرداخته شده است. برای مثال جنبش مبارزه برای حق مسکن در هند به صراحت ۲۴ معیار عینی برای مسکن مناسب معرفی کرده است (۱۵). این در حالی است که در مواردی دیگر این حق تنها در عباراتی کلی طرح شده است. آنچه در تحلیل نهایی اهمیت دارد، شکل حقوقی طرح این مسأله در درون ایران است.

قانونگذار در اصل ۳۱ قانون اساسی ایران، بهره‌مندی از حق بر مسکن متناسب را حق هر فرد و خانواده ایران دانسته است. وصف ایرانی‌بودن به عنوان پیش‌شرط بهره‌مندی افراد از حق بر مسکن مناسب حاکی از آن است که قانونگذار ایرانی در شناسایی و تخصیص این حق الگویی مبتنی بر نظام حقوق شهروندی (تابعیت‌محور) را اتخاذ نموده است. اعمال معیار تابعیت در وضعیت برخورداری بیگانگان از این حق در ایران سبب شده تا ما با تمایز عمده‌ای میان دو گروه از ساکنان ایران، یعنی اتباع ایرانی و غیر ایرانی مواجه شویم.

هرچند در هر دو مورد، یعنی هم بهسازی بافت‌های فرسوده و هم اعمال ضوابط و اصول مهندسی ساخت مسکن، دولت، نهادهای دولتی و حتی بخش خصوصی متعهد به تغییر شرایط سکونتگاه افراد و تبدیل آن به سرپناهی مناسب می‌باشند، اما قانونگذار ایرانی به این مسأله به عنوان حق نمی‌نگرد، در حالی که در نظام حقوق بین‌الملل حق بر مسکن با پسوند «مناسب» مورد شناسایی قرار گرفته است؛ تأکیدی که اسناد بین‌المللی بر حق افراد برای برخورداری از مسکنی متناسب با شأن و کرامت انسانی و تعهداتی که پیرامون چنین نگرشی به حق بر مسکن شکل می‌گیرد، در نگاه قانونگذار ایرانی از جایگاهی برخوردار نیست. از این روست که تعهدات دولت در نظام حقوقی ایران در زمینه مسکن تنها به حق افراد در برخورداری از مسکن محدود می‌گردد و قوانینی در زمینه تعریف، تضمین و تأمین مسکن مناسب در نظام حقوقی ایران به چشم نمی‌خورد.

### حق بر زیستگاه سالم

رفتار انسان با طبیعت دوگانه بوده است. در طی چهار قرن گذشته بخش اعظمی از جنگل‌ها برای ایجاد سرپناه تخریب یا به زمین‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند. شهرها به حریم دریاها و رودخانه‌ها تجاوز و توازن محیط زیست را بر هم زده‌اند. انسان، از این نگاه، با زمین مهربان نبوده است. در مقابل، سازمان‌های دوستدار محیط زیست کوشش‌های گسترده‌ای برای حفظ آسمان آبی و شهر سبز صورت داده‌اند. شهروند اکولوژیست نیازمند آگاهی از تصمیماتی است که به نام عمران و توسعه ملی و محلی گرفته می‌شود و به طور معناداری بر محیط زیست اثر می‌گذارند. انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از نشانه‌های مردم‌سالاری و پنهان‌کاری از ویژگی‌های حکومت‌های خودمحور است.

#### ۱- حق آموزش و دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

به موجب این حق دولت موظف به ایجاد تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از تکنولوژی‌های پاک، هست. این آموزش و فرهنگ‌سازی باید در کلیه سطوح اعم از آموزش رسمی (مدرسه‌ای و دانشگاهی) و غیر رسمی (آموزش برای عموم) صورت گیرد (۱۶).

بند «د» ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز یکی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست را «تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست» می‌داند. بند «الف» ماده ۶۴ برنامه چهارم توسعه و بند «الف» ماده ۱۸۹ برنامه پنجم توسعه نیز سازمان حفاظت محیط زیست را مکلف کرده است که «در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از ابتدای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» آیین‌نامه اجرایی را به پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران برساند. در همین راستا آیین‌نامه بند «الف» ماده ۶۴ برنامه چهارم توسعه در ۲۸ تیرماه ۱۳۸۵ به تصویب رسید که مطابق ماده یک آن آموزش محیط زیست، شامل ۲ بخش آموزش رسمی (در چارچوب واردکردن موضوعات مختلف محیط زیستی در برنامه‌های مقاطع مختلف تحصیلی) و آموزش غیر رسمی (شامل آموزش گروه‌های مختلف اجتماعی) می‌شود. جامعیت نهادهای درگیر در این فرآیند که زیر

نظر کارگروه ویژه‌ای فعالیت می‌کنند، می‌تواند آموزش صحیح شهروندان را محقق سازد، به ویژه این‌که مطابق بند «الف» ماده ۱۸۹ برنامه پنجم توسعه، «... کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی می‌باشند.»

افزون بر حق آموزش، حق انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از مؤلفه‌های دیگر یک جامعه مردم‌سالار و از مصادیق آزادی بیان به شمار می‌آیند. «آزادی بیان» در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بیان شده است. یکی از صور آزادی بیان، آزادی تبادل اطلاعات است. در عین حال آزادی تبادل اطلاعات هم شامل آزادی انتشار اطلاعات است و هم شامل آزادی دریافت اطلاعات. یکی از مصادیق و موارد این حق نیز، دریافت اطلاعات مربوط به مسائل زیست‌محیطی است. حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، عبارت است از هر گونه آگاهی در مورد فعل مرتبطی که عواقب نظری و عملی عمومی برای جامعه به دنبال داشته باشد. تلاش‌های زیادی در حوزه حقوق اروپا صورت گرفته تا این وجه از حق مورد شناسایی قرار بگیرد. علی‌رغم فقدان مقررهای درباره حق دارابودن محیط زیست سالم و به تبع آن حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی در معاهده اروپایی حقوق بشر، دو نهاد کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر، کوشش نموده‌اند که با استفاده از اصل «تفسیر پویا»، آن را در مواد معاهده اروپایی حقوق بشر شناسایی نمایند (۱۷).

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران مصوب ۱۳۸۸ با‌زتاب حق آگاهی عمومی از تصمیماتی است که به نام مردم گرفته می‌شود. طرح‌های شهری به طور مستقیم و گسترده زمینه اثرگذاری بر محیط زیست را فراهم می‌کنند. طراحان این قانون به دو شیوه آگاهی شهروندان از اسناد و ضوابط شهرسازی را تضمین کردند:

- تکلیف انتشار اطلاعات از جانب شهرداری؛

- حق آگاهی اسناد شهرسازی از جانب شهروندان.

به موجب ماده ۵ قانون پیش‌گفته، مؤسسات عمومی مکلف‌اند اطلاعات موضوع قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند. شهرداری به موجب بند «ح» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق مصوب ۱۳۹۳ و ماده ۵



قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ از جمله مؤسسات مشمول قانون قرار به شمار می‌آید. بر اساس تبصره ماده ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد. اطلاعاتی همچون کاربری، تراکم، سطح اشغال و عوارض در فهرست اطلاعات عمومی قرار دارند و نمی‌توان از انتشار آن جلوگیری کرد.

حق دسترسی به اطلاعات در قلمرو شهر و شهرسازی مورد توجه نظام حقوقی فرانسه قرار گرفته است. هر شخصی به موجب ماده ۲۱۲۱-۲۶ L حق دارد از صورت‌جلسات انجمن شهر، بودجه، حساب‌ها و تصمیمات شهرداری آگاه و یا آن‌ها را منتشر نماید. قانون ۱۷ ژانویه ۱۹۶۸ اصل قابل‌انتشاربودن اسناد اداری و ابلاغ آن به متقاضی را مورد تأیید قرار می‌دهد. کمیسیون دسترسی به اسناد اداری، به موجب همین قانون، در جلسه ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ اطلاع از پرونده ساختمانی و درخواست‌های مربوط به آن را بلامانع اعلام نمود. این مرجع طی نظریه مورخ ۲۰۰۷/۱۲/۶ مجموع اسناد شهرسازی من جمله مجوزهای تفکیک و نقشه‌های موجود در پرونده قابل ابلاغ به کسانی است که آن را مطالبه می‌نمایند. کمیسیون یادآوری می‌کند که اداره مربوطه ملزم است ظرف یک ماه به درخواست متقاضیان از تاریخ دریافت درخواست پاسخ دهد (۱۸).

## ۲- ضمانت اجرای نقض مقررات زیست‌محیطی و حق دادخواهی شهروندان

یکی از شرایط اساسی تضمین حق بر محیط زیست سالم، مانند هر حق دیگری، وجود ضمانت اجرایی کافی برای تحقق آن حق است. کشورها از گذشته‌های دور در قوانین خود، برای متخلفان از مقررات زیست‌محیطی کیفرهایی را تعیین و اعلام کرده‌اند. چنانکه در قرن ۱۴، دولت انگلیس در راستای مبارزه با آلودگی هوای شهری یکی از اهالی شهر لندن را به دلیل ایجاد دود فراوان از طریق سوزاندن زغال‌سنگ اعدام کرد (۱۹).

امروزه نیز نقض مقررات مربوط به محیط زیست در بریتانیا، تعقیب جزایی متخلفان را به دنبال خواهد داشت و گاهی کیفرهای سنگینی به آن‌ها تحمیل می‌شود. به عنوان مثال «قانون طراحی شهر و روستا (Town and Country Planning Act)» مصوب ۱۹۹۰ در ماده ۲۱۰، برای قطع درختان، مجازات سنگین تا ۲۰ هزار پوند را مقرر کرده است.

قانون مجازات اسلامی ایران نیز حاوی برخی مجازات‌های کیفری برای متخلفان از مقررات محیط زیستی است. برای نمونه ماده ۶۸۶ بیان می‌دارد که «هر کس درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» به اعتقاد برخی از حقوقدانان، جرم موضوع این ماده توسط مالک درخت نیز قابل ارتکاب است، زیرا ماده ۶۸۶ یک جرم علیه آسایش عمومی است و نه جرمی علیه اموال؛ به همین دلیل هم در ماده ۷۲۷ به جرم موضوع این ماده (برخلاف جرائم موضوع مواد ۶۸۴ و ۶۸۵) به عنوان یک جرم با ماهیت خصوصی و قابل گذشت اشاره‌ای نشده است (۲۰).

در آمریکا نیز، برای برخی از تخلفات زیست‌محیطی مانند آلودگی آب، کیفر تا ۱۵ سال حبس پیش‌بینی شده است. حقوق محیط زیست در ایالات متحده آمریکا جزء پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوقی در سراسر دنیا در این حوزه قلمداد می‌شود. در این کشور قوانین زیست‌محیطی به طور روزافزونی، حق اقامه دعوا در خصوص مقررات محیط زیست را به شهروندان اعطا کرده است. برای نمونه می‌توان به قانون آب‌های تمیز (بخش ۵۰۵) اشاره کرد که به شهروندان اجازه می‌دهد اقدام به اقامه یک دعوی مدنی در موارد مشخصی نمایند (۲۱).

نظام حقوقی ایران در این زمینه مطلوب و کامل نیست. نقص قوانین در پیگیری قضایی تخلفات زیست‌محیطی به ویژه تخلفات صورت‌گرفته از سوی نهادهای دولتی یکی از چالش‌های مهم در زمینه حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اگرچه سازمان حفاظت محیط زیست، علیه متخلفین و کسانی که به آلودگی یا تخریب محیط زیست می‌پردازند، اقدام می‌کند، اما این نقش در عمل محدود به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی بوده و این سازمان از ابزارهای مؤثر نظارت بر اجرای ضوابط زیست‌محیطی در نهادها و تشکیلات دولتی برخوردار نمی‌باشد. برای مثال وسایل نقلیه آلاینده دستگاه‌های دولتی، یکی از عوامل اساسی ایجاد و افزایش آلودگی هوای تهران و به حد بحرانی‌رساندن کیفیت هوا و حتی آلودگی صوتی است. با وجود این نقیصه، سازمان تاکنون موفق نشده در اعمال سیاست‌های خویش در برخورد با موانع دولتی، وظیفه و مسئولیت حفظ محیط زیست را دقیقاً تعقیب کند. نکته بسیار مهم دیگر این‌که، در نظام قضایی ایران، تخلف از حقوق زیست‌محیطی شهروندان، به خودی خود مبنایی

برای طرح دعوا در محاکم قضایی تلقی نمی‌شود، حداقل این‌که این خسارت نمی‌تواند به عنوان «تخلف از محیط زیست» تعقیب گردد، بلکه باید در پرتو عناوین مربوط به مسؤلیت مدنی اقامه و مطالبه گردد (۲۲).

مطابق قواعد عام مسؤلیت مدنی از جمله ماده ۱ «قانون مسؤلیت مدنی» مصوب ۱۳۳۹، «هر کس بدون مجوز قانونی یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی و معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» بنابراین مطابق این قواعد، طرح مسؤلیت حقوقی متخلفان از مقررات محیط زیستی، تنها به وسیله متضرران از این تخلفات قابل پیگیری است. در نتیجه چنانچه این افراد امکان طرح دعوا علیه متخلفان را نداشته باشند، (دعاوی که بعضاً پرهزینه و طولانی خواهد بود) و نهادهای دولتی هم به هر دلیل مایل به پیگیری حقوقی موضوع نباشند، راه برای ورود سایر افراد و شهروندان و یا نهادهای غیر دولتی تا حدود زیادی سخت خواهد شد. موضوعی که می‌تواند دست متخلفان از حقوق زیست‌محیطی شهروندان را در ادامه تخلفات مزبور باز بگذارد.

در نظام قضایی هند، چنین مشکلی با طرح تئوری «دادخواهی به نفع عموم (Public Interest Litigation)» مرتفع شده است. مطابق این رویه هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی می‌تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جزء متضررین اصلی نباشد. همین امر باعث شده که نقش اشخاص حقیقی و حقوقی در حفاظت از محیط زیست اهمیت والایی پیدا کند. مزیت دیگر این روش این است که می‌تواند کم‌کاری نهادهای دولتی را در امر مبارزه با آلودگی محیط زیست جبران نماید (۲۳).

نظام قضایی در این زمینه رویه‌سازی نکرده است. با توجه به قواعد عمومی ناظر بر طرح دعاوی در محاکم دادگستری، از جمله شرایط اصلی طرح دعاوی حقوقی، وجود نفع و سمت است. ماده ۲ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» مصوب ۱۳۷۹، شرط اولیه رسیدگی دادگاه‌ها را این می‌داند که «شخص یا اشخاص ذی‌نفع رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» نویسندگان حقوقی نیز شرایطی را برای احراز وجود یا عدم

وجود نفع بیان داشته‌اند که عبارت‌اند از این که نفع از جمله باید: ۱- حقوقی و مشروع؛ ۲- به وجود آمده و باقی؛ ۳- و از همه مهم‌تر این که، شخصی و مستقیم باشد (۲۴). بنابراین برای نمونه تنها کسانی می‌توانند به اقامه دعوا در این زمینه بپردازند که از آلودگی زیست‌محیطی، شخصاً و به طور مستقیم، متضرر شده باشند. برای مثال چنانچه آلودگی زیست‌محیطی در استان هرمزگان روی دهد، اهالی شمال کشور نمی‌توانند به اقامه دعوی حقوقی و مطالبه جبران خسارت علیه متضرر بپردازند، مگر این که ثابت کنند از آلودگی زیست‌محیطی ایجادشده به طور مستقیم و شخصی آسیب دیده‌اند. امری که اثبات آن با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

فقدان متن قانونی الزام‌آور در برخی زمینه‌ها از دیگر مشکلات این حوزه است. در بعضی از حوزه‌ها، یا قانون مناسبی وجود ندارد یا این که اصلاً قانونی به تصویب نرسیده است. برای مثال در زمینه مقابله با آلودگی‌های رادیواکتیو و آثار زیان‌بار اشعه تنها یک قانون وجود دارد که در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده است. در حالی که کاربرد اشعه و اثرات زیان‌بار آن روز به روز در زندگی بشر افزایش می‌یابد. در خصوص آلودگی‌های ناشی از دفع زباله‌های اتمی نیز قوانینی در ایران وجود ندارد. همچنین می‌توان از خلأ قوانین کیفری در امر مبارزه با آلودگی‌های صوتی یاد کرد (۲۵).

یکی از نکات مهم و اساسی دیگر در مورد مسؤولیت ناقضان حقوق محیط زیستی شهروندان، تمایل رو به گسترش محاکم کشورها در پذیرش اصل «مسؤولیت مطلق» متخلفان از مقررات زیست‌محیطی است. از جمله دادگاه‌های کشور هند، در پرونده‌ای در سال ۱۹۸۵، اصل «مسؤولیت مطلق» را پذیرفتند. طبق این اصل، کسی که فعالیتش موجب آلودگی محیط زیست شده است، باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده بگیرد و این حقیقت که وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارت وارده، محسوب نمی‌شود (۲۶). در قوانین انگلستان نیز برای احراز مسؤولیت ناقضان حقوق محیط زیست، معمولاً نیازی به اثبات قصد مجرمانه وجود ندارد. بنابراین در این کشور نیز ممکن است که تخلفی واقع شود، بدون این که مرتکب واقعاً مقصر باشد (۲۷). پذیرش مسؤولیت مطلق به جای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، در قطع‌نامه استراسبورگ مصوب سپتامبر ۱۹۹۷، پیشنهاد شده است (۲۸). پذیرش

اصل مسؤولیت مطلق می‌تواند شهروندان را از وظیفه سنگین اثبات تقصیر متخلفان از قواعد محیط زیستی، رهایی بخشد.

به هرحال نگاهی به سابقه قضایی ایران، نشان می‌دهد که متأسفانه قوه قضاییه کشورمان، تاکنون نتوانسته است به ایفای نقش قابل قبول در این زمینه که امروزه از بزرگ‌ترین دغدغه‌های بشری است، توفیق یابد. حتی در برخی موارد، رویه قضایی تمایل دارد که به جای رعایت نص قانون در حفاظت از محیط زیست، به دفاع از قوه مجریه که آلوده‌کننده، تحت امر آن بوده برخاسته و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه باعث بیکاری کارگران می‌شود و مشکلاتی را برای دولت به بار خواهد آورد، برای مشتکی‌عنه قرار منع تعقیب صادر کنند. برای نمونه می‌توان به دعوای آلودگی ناشی از کارخانه قند میاندوآب در تاریخ ۱۳۶۵ اشاره کرد که با همین تحلیل منجر به صدور قرار منع تعقیب برای مشتکی‌عنه شد. اطلاع دادرسی نیز از دیگر مشکلاتی است که باعث تأخیر در جلوگیری از تخریب محیط زیست می‌شود. برخی پرونده‌های مربوط به آلودگی محیط زیست مانند پرونده آلودگی ناشی از صنایع شیمیایی پارچین و آلوده‌شدن رودخانه جاجرود و کارخانه باتری‌سازی نیرو در منطقه پاسداران تهران، بیش از ۲ دهه زمان برد (۲۹).

لازم به ذکر است همان‌گونه که وفق تبصره ۱ ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب، رسیدگی به جرائم مربوط به تخریب محیط زیست و آلوده‌کردن آب، فوری و خارج از نوبت مقرر شده، در دیگر موارد آلودگی محیط زیست نیز باید چنین امتیازی وضع شود، زیرا در حال حاضر، محاکم تکلیفی بدین امر، در غیر از مواردی که اشاره شد و نیز موضوع ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در رسیدگی به اعتراض صاحبان کارگاه‌ها یا کارخانه‌هایی که به دستور سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت بازمانده‌اند، ندارند، گرچه برخی از نویسندگان حقوقی، مفاد ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب را مجوز دادرسی فوری در دعوای مربوط به آلوده‌کردن آب نمی‌دانند، اما بخشنامه ۱۳۷۸/۱۲/۰۸ رییس قوه قضاییه در رسیدگی خارج از نوبت به دعوای مربوط به آلوده‌کردن آب‌های عمومی و آب شرب مردم، صراحت دارد (۳۰) و (۳۱).

### ۲- آلودگی هوا و ترافیک پیامد تخلف از مقررات شهرسازی

سلامت عمومی به سبب آلودگی شدید هوا تهدید و جانداران از حق تنفس هوای پاک محروم می‌شوند. دست‌اندرکاران تراکم‌فروشی عوامل بی‌جان همچون خودروها را عامل اصلی معرفی می‌کنند و این پرسش را بی‌پاسخ می‌گذارند که آیا تغییر کاربری‌های گسترده، جمعیت‌افزایی مازاد شهری و نادیده‌گرفتن ضوابط شهرسازی که با افزایش وسایل نقلیه و پایمال کردن مقررات الزام‌آور شهرسازی ملازمه دارد، عامل اصلی به شمار نمی‌آید؟ آیا نباید از مدیریت نادرست کسانی سخن به میان آورد که شهرها را به اطاق‌های بزرگ گازهای سمی تبدیل کردند؟ ذهن جستجوگر در پی علت می‌رود و از دست‌های آلوده می‌پرسد.

واقعیت آن است که مرگ در هوای آلوده ناشی از اتفاق و سرنوشت نیست، بلکه نتیجه انحرافات گسترده از قوانین و مقررات شهرسازی و ایجاد شهرهای بی‌ضابطه در کشور متمدن ایران است. قانون و شهر دو همراه دیرینه تاریخی‌اند. شهرها نشانه بلوغ فکری انسان و نماد رشد فرهنگ بردباری و آغاز دوران یکجانشینی انسان‌ها هستند. شهرنشینی در ایران ریشه در اعماق تاریخ دارد. ایرانیان خالق زیستگاه‌های بودند که جهانیان به آن افتخار می‌کنند. نسل حاضر نیز در حال ساختن تاریخ است. آیا آیندگان نیز با سربلندی از آثار نیاکانشان سخن خواهند گفت؟

شهرهای مترقی محصول تدبیر و برنامه‌ریزی مدیران دانا و پایبندی آنان به الزامات قانونی و مشارکت فعال شهروندان در برنامه‌های عمومی و عمرانی است. شهرداری در چنین شهرهایی بنگاه اقتصادی نیست تا قانون شهر را به سان کالایی برای فروش عرضه نماید. داد و ستد ضوابط شهرسازی همچون تراکم، کاربری و پروانه ساختمان رفتاری دور از تمدن است. در نتیجه چنین اقداماتی، شهرهای میهن ما به انبوهی از ساختمان‌های بی‌هویت تبدیل می‌شوند. امکانات شهری، معابر و فضاهای عمومی پاسخگوی انبوه جمعیت شهری نیستند. تراکم‌فروشی دشنه‌ای بر قلب شهرسازی است و زبان‌های ناشی از آن جبران‌ناپذیر خواهد بود. این پدیده شوم به فروپاشی نظام شهرسازی می‌انجامد و موجب گسترش بزهکاری، فساد و نابرابری در جامعه می‌شود.

موضوع انحراف از مقررات شهرسازی در جریان رسیدگی به اتهامات شهردار پیشین پایتخت آقای کرباسچی در دهه ۱۳۷۰ مورد توجه قرار گرفت. قاضی دادگاه در مقدمه رأی صادره به نامه

وزیر مسکن و شهرسازی به شماره ۷۶/م/۱۸۹ مورخ ۱۳۷۶/۱/۳۱ خطاب به مقام معظم رهبری اشاره می‌کند که می‌توان آن را به عنوان یک سند تاریخی در رابطه با فاجعه تراکم‌فروشی محسوب کرد (۳۲). در این نامه از ناپایداری ساختمان‌های بلندمرتبه، عدم امکان تخلیه به موقع و سریع آن‌ها به هنگام خطر، محرومیت از حقوق ارتفاقی و شرعی همچون سایه‌اندازی و اشرافیت ساختمان‌ها بر یکدیگر، ازدحام معابر شهری و تأثیر تراکم‌فروشی سخن به میان آمده است. دادگاه، با این وجود، شهردار و سایر شرکای جرم را به اتهام تراکم‌فروشی محکوم نکرد و رویکرد منعطف در برابر این پدیده مذموم استمرار یافت.

توسعه ظاهری شهرها در برابر ضابطه فروشی از نگاه سیاستمداران انسان‌دوست و آینده‌نگر دور نمانده است. وزارت مسکن و شهرسازی در شهریورماه ۱۳۷۶، در دوران وزارت آقای علی عبدالعلی‌زاده اقدام به پس‌گرفتن شکایت خود علیه پرونده حدود ۱۰۰ دستگاه برج‌ساز در سطح شهر تهران نمود. نماینده فقید سندج مرحوم مهندس ادب پس از طرح سؤال از وزیر مسکن، نطق پرشوری را در رابطه با تراکم‌فروشی، بی‌توجهی به طرح جامع تهران، نقض حریم خصوصی و موقعیت برج‌ها بیان داشت: «... در طرح جامع تهران که ایشان (وزیر مسکن) مطالعه نکرده‌اند، موکداً راجع به گسل‌ها اشاره و گفته شده است که رعایت اصول فنی را بکنید. در نزدیکی و در کنار همان گسل‌ها، همان آدم‌هایی که محتاج پول و دنبال سود بادآورده هستند، دارند برج می‌سازند، فردا برادران و خواهران ما باید در این برج‌ها زندگی کنند. این‌ها اگر در طبقات بالا که نکات ایمنی رعایت نشده است، زندانی شوند و جلوی چشم ما بسوزند و بمیرند، فردا جواب ما به خدا چه خواهد بود؟ اکثر قریب به اتفاق این برج‌ها اصلاً ایمنی ندارند. هر کس خواست با من بیاید به او نشان می‌دهیم» (۳۳).

تراکم‌فروشی معامله پرسودی برای کلان‌شهرها محسوب نمی‌شود. دست‌اندرکاران این بدعت خطرناک که شهرها را به شیوه نامشروع باردار نمودند، مخرب‌ترین شیوه را برای توسعه ظاهری در پیش گرفتند. آنان، تاکنون از مردم عذرخواهی نکرده و اشتباه خود را نپذیرفته‌اند. چنین مدیرانی نه‌تنها از جنبه اداری متخلف محسوب می‌شوند، بلکه از جهت کیفی نیز مجرم و سزاوار مجازات می‌باشند.

برخی از استادان برجسته حقوق ایران بر این باورند که هر گونه توافق میان شهردار و متقاضی صدور پروانه ساختمانی بر افزایش ارتفاع ساختمان (فروش تراکم ساختمانی) در برابر

دریافت هر گونه وجهی غیر قانونی و بی اعتبار است. از جهت کیفری نیز این توافق و دریافت هر گونه وجهی از سوی شهردار بزه ارتشا شمرده می شود و مشمول ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا مصوب ۱۳۶۷ است (۳۴). این ماده مقرر می دارد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت های دولتی یا سازمان های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان های مزبور می باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آن ها بوده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می شود...»

مسئولیت دولت و شهرداری در برابر قربانیان آلودگی از منظر فقهی نیز قابل مطالعه و بررسی است. خون مسلمان هدر نمی رود (لایبطل دم امرء المسلم). قتل در هوای آلوده ناشی از اتفاق نیست و نمی توان نام سرنوشت بر آن نهاد و احکام مرگ ناشی از حوادث قهریه همانند طوفان، زلزله و سیل را بر آن جاری ساخت.

هدف از تشکیل حکومت تأمین حقوق بنیادین و اساسی افراد جامعه از قبیل حق حیات است. حق بر محیط زیست سالم نیز از جمله حقوقی است که قانون اساسی به آن اشاره و قوانین عادی وظایف اشخاص عمومی را برای تأمین آن پیش بینی کرده اند. سیستم نادرست برنامه ریزی و تخلفات سازمان یافته و گسترده از ضوابط شهرسازی زمینه آلودگی را فراهم ساخته است. حکومت، در واقع وظیفه خود را به درستی انجام نداده و در اعمال قدرت مشروع برای مقابله با قانون شکنان کوتاهی نموده است.

هیأت وزیران به عنوان نمونه، در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۶۱/۱۰۰/۲ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۵ وزارت مسکن و شهرسازی و به استناد اصل یک صد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران را به شرح زیر تصویب نمود: «سیاست گذاری در خصوص نحوه واگذاری تراکم ساختمانی با رعایت سقف مصوب ۷/۶۵ میلیون نفر جمعیت برای محدوده شهر تهران در کلیه برنامه ها و



طرح‌های توسعه شهری و توقف توسعه مسکونی در مناطق ۲۱ و ۲۲ و اراضی شرق منطقه ۴ شهرداری تهران و تخصیص اراضی مذکور به کاربردهای مقیاس منطقه‌ای، ملی و فراملی در چارچوب طرح‌های جامع و تفصیلی.»

آیا عملیات ساخت واحدهای مسکونی در مناطق پیش‌گفته متوقف و برنامه‌ریزی در مسیر قانونی به پیش رفت؟ پاسخ مثبت نیست و در حالی که شهر تهران با محدودیت منابع آب رو به رو است، به استقبال مشکلات ناشی از جمعیت‌افزایی مازاد و افزایش بار ترافیکی بر شبکه معابر شهری و افزایش آلودگی می‌رود. دود ناشی از آتش ضابطه‌فروشی اشک چشم قانون‌فروشان را نیز در خواهد آورد.

دولت و شهرداری در برابر صدمات وارده از آلودگی مسؤول هستند. دادرسان دادگاه‌ها می‌توانند در جهت تأمین و پرداخت غرامت و دیه خانواده قربانیان آلودگی هوای شهرها از ظرفیت‌های قانونی به ویژه تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استفاده نمایند. غلبه بر مشکلات شهر نیازمند تغییر رویکرد به قوانین شهرسازی و وفاداری به آن است. در یک جامعه متمدن اراده قانونگذار جانشین تمایلات مدیران می‌شود و قانون‌محوری از خودکامگی پیشی می‌گیرد. برای آنکه نابسامانی پایان پذیرد و پلیدی‌ها زدوده شود، باید رویه‌های نادرست و قانون‌شکنی‌های گسترده در قلمرو مدیریت شهری را ترک گفت و قوای سه‌گانه و دادستان‌ها را برای برقراری نظم از دست‌رفته فراخواند. ایرانیان شایسته شهرهای امن، پاک، آباد، سازگار با محیط زیست و متناسب با معیارهای انسانی هستند.

### نتیجه‌گیری

زیان‌های ناشی از اشغال بخشی از فضای سرزمین برای ایجاد سکونتگاه بدون در نظر گرفتن الزامات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر خواهد بود. انسان در برابر دو خواسته اساسی قرار دارد:

- نیاز به مسکن و سرپناه مناسب؛

- نیاز به محیط زیست پاک.

شهرها به عنوان مهم‌ترین زیستگاه‌های انسانی در تأمین این دو نیاز و برقراری توازن بین آن‌ها موفق نبوده‌اند. غیبت شهروندان در فرایند شهرسازی و مدیریت شهری یکی از دلایل عمده خودمحوری شهرداران و تجاوز به محیط زیست و اراضی کشاورزی به شما می‌آید. به

دیگر سخن رابطه معناداری بین تقویت حقوق شهروندی و رعایت الزامات زیست‌محیطی برقرار است. خلق فضای شهری بنا بر سلیقه شهرنشینان و افزایش مشارکت آنان بر مبنای نظریه مردم‌سالاری محلی سبب بهبود کیفیت زندگی شهری و رضایت‌مندی عمومی می‌شود. ارتقای جایگاه افراد از تبعه مسؤل بی‌حق به شهروند صاحب حق مستلزم آموزش و آگاهی همگانی از الزامات شهرنشینی و ترویج عقیده حق‌طلبی و فرماندهی به جای فرمانبری و بی‌تفاوتی است، اگرچه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات زمینه دانایی همگانی را فراهم و گام مهمی به سوی شهروندمداری به شمار می‌آید، لیکن نقش شهروندان، هم‌اکنون در فرایند شهرسازی و توسعه شهری ناچیز است. ترویج نظریه ایجاد شهروند اکولوژیست، تقویت جایگاه قانونی سازمان‌های مردم‌نهاد، کوشش برای برقراری حکومت قانون و تعقیب مدیران متخلف زمینه شکل‌گیری شهرهای سبز و سازگار با الزامات زیست‌محیطی را فراهم خواهد ساخت.

### References

1. Turner Bryan S. The Cambridge Dictionary of Sociology. Cambridge: Cambridge University Press; 2006. p.65.
2. Jafari Langroodi MJ. Terminology of law. Tehran: Ganj Danesh Publication; 1381. Vol.3 p.1730. [Persian]
3. Karimi A, Kamyar GR. Citizenship rights in field of Urbanization. Tehran: Dadgostar; 2017. p.26. [Persian]
4. Holston J, Appadurai A. Cities and Citizenship. Public Culture 1996; 6: 187-204.
5. Hartman C. The Case for a Right to Housing. Housing Policy Debate 1998; 9(2): 223-246.
6. Harvey D. The Right to the City. New Left Review 2008; 53: 23-40.
7. Nasiri E. Citizen Participation in Urban Management. Roshd Amoozesh Joghrafia Publication 1381; 62: 56-57. [Persian]
8. Rosseau JJ. Contrat Social, 1762. Emprunté Du Bissardon (Sébastien). Paris: Lexis Nexis; 2011. p.43.
9. Tabatabai M. Administrative Rights. Tehran: Samt Publication; 1395. p.481. [Persian]
10. Kamyar GR. Administrative law of property expropriation for public utility (Comparative study of Iran and France). Tehran: Majd publication; 1394. [Persian]
11. Kristen D. Do We Need a Right to Housing; Adams. Nevada Law Journal 2009; 9(2): 275-293.
12. Sandercock L. Making the Invisible Visible: A Multicultural Planning History. Berkeley: University of California Press; 1998. p.52.
13. Fajemirocun M. The Concept and Implementation of the Right to the City in Anglophone Africa. In Cities for All, Sugranyes, Ana and Mathivet Charlotte (ed.), Santiago: HIC; 2010. p.121-128.
14. Harris MC. Pavement-Dwellers' Movements in Mumbai, India. In Cities for All, Sugranyes, Ana and Mathivet Charlotte (ed.), Santiago: HIC; 2010. p.141-144.

15. Leckie S. The UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights and the Right to Adequate Housing: Towards an Appropriate Approach. *Human Rights Quarterly* 1989; 11(4): 522-560.
16. Eftekhar Jahromi G. Human rights, environment and sustainable development. *Tahghighat Hoghooghi* 1388; 50: 16-17. [Persian]
17. Vije MR. The Right of Access to Environmental Information-Environmental Study. *Mohitshenasi Publication* 1385; 40(32): 78-80. [Persian]
18. Karimi A, Kamyar, GR. Citizenship rights in Tehran's territory of Urbanization. Tehran: Dadgostar; 2017. p.385. [Persian]
19. Dorre MH. Politics and Environmental. Tehran: Geopolitic; 1384. p.21. [Persian]
20. Mir Mohammad Sadeghi H. Crimes against the Security and Public Welfare. Tehran: Mizan Publication; 1388. p.201. [Persian]
21. Pin S. Operating Leverage of Rules about Environment, Comparative Discussion between the Law of America and England the Attitude of the US Clean Water Act, Heshmatollah Samavati. *Didgahhaye Hoghooghi* 1376; 5&6: 205-208. [Persian]
22. Habibi MH. The right to a healthy environment as a human right. *Journal of Tehran University Faculty of Law and Political Science* 1382; 60: 162. [Persian]
23. Arshadi MY. The role of the judiciary of India in protection of environment. *Faslnameh Modarres Olum Eslami* 1384; 3(9): 7. [Persian]
24. Shams A. Code of Civil Procedure. Tehran: Derak Publication; 1385. Vol.1 p.294-298. [Persian]
25. Sadeghi Ziyari H. Legal Aspects of Environmental Protection based on International Regulations. *Majles and Pajooresh* 1384; 38: 331-333. [Persian]
26. Arshadi MY. The role of the judiciary of India in protection of environment. *Faslnameh Modarres Olum Eslami* 1384; 3(9): 7. [Persian]
27. Pin S. Operating Leverage of Rules about Environment, Comparative Discussion between the Law of America and England the Attitude of the US

Clean Water Act, Heshmatollah Samavati. Didgahhaye Hoghooghi 1376; 5&6: 202-205. [Persian]

28. Bahrami Ahmadi H. Political and legal policy of the Islamic Republic of Iran in environmental protection. Danesh Siyasi 1388; 1(5): 103. [Persian]

29. Arshadi MY. The role of the judiciary of India in protection of environment. Faslnameh Modarres Olum Eslami 1384; 3(9): 10-11. [Persian]

30. Arshadi MY. The role of the judiciary of India in protection of environment. Faslnameh Modarres Olum Eslami 1384; 3(9): 16. [Persian]

31. Sadeghi Ziyari H. Legal Aspects of Environmental Protection based on International Regulations. Majles and Pajooresh 1384; 38: 334. [Persian]

32. Last Defence, Full Text Unpublished Defence of Gholam Hossein Karbaschi and Defence Lawyers. Tehran: Farhang and Andishe Publication; 1377. [Persian]

33. Kamyar MR. The Question of Mr Bahaodin Adab Representative of Sanandaj from Mr Abdolali Zade Minister of Housing and Urbanism, They Sales Law!. Hoghogh and Ejtema 1371; 6: 21-22. [Persian]

34. Kashani SM. Proprietary Rights in the Light of the Provisions of Urbanism. Thghighat Hoghooghi 1391; 57: 39. [Persian]